

## چرا سران دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی به سوگ نلسون مندیلا نشسته

### و او را مورد ستایش و تکریم قرار می دهند؟

بتاریخ (5) دسمبر (2013) نلسون مندیلا رئیس جمهور سابق افریقای جنوبی به عمر (95) سالگی درگذشت. مندیلا در سال (1918) در شهر کیپ شرقی تولد شد و در سال (1943) به عضویت کنگره ملی افریقا درآمد و رئیس شاخه جوانان حزب شد و مسئولیت شاخه نظامی حزب را عهده دار گردید که "گروه نیزه ملت" نام گرفت. او در سال (1964) به اتهام "خرابکاری" به حبس ابد محکوم گردید و در سال (1990) بعد از بیست و هفت سال تحمل فشارهای جسمی و روانی از زندان رها شد. بایدتذکر داد که: در آن شرایط علاوه بر موضوعاتی که دولت وقت افریقای جنوبی و کنگره ملی افریقا روی آن به توافق رسیدند، دو موضوع دیگر نیز در آزاد کردن مندیلا و دیگر رهبران کنگره ملی افریقا مطرح بوده است: 1- برنامه هسته وی دولت افریقای جنوبی که تعادل استراتژیک جهان را بر هم می زد. 2- اوجگیری قیام های توده ای بعد از سال 1986 خاصاً در پرتوریا (شهر عمدتاً سیاه پوست نشین) که مسیری غیر از آن چیزی که دولت افریقای جنوبی و قدرتهای امپریالیستی فکری کردند، طی می نمود. مبارزات مسلحانه خلق افریقای جنوبی از همان ابتدا از طریق "حزب کمونیست" افریقای جنوبی در وابستگی به سیاستهای سوسیال امپریالیسم "شوروی" قرار گرفته و به بیراهه کشیده شد. و برخی اسناد نشان می دهد که نلسون مندیلا نیز عضویت کمیته مرکزی "حزب کمونیست" (حزب ریزیونیست) افریقای جنوبی را دارا بوده است. و بعد از سال 1990 نلسون مندیلا در رهبری "کنگره ملی افریقا" مبارزه مسلحانه بر ضد رژیم آپارتاید، رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی را ترک کرده و در نظر و عمل راه "مبارزه مدنی"، راه سازش طبقاتی را در پیش گرفته و زیر نام "صلح خواهی" و توسل به "عدم خشونت"، مبارزه خلقهای افریقای جنوبی علیه استعمارگران اروپائی را با همه قربانیها و فداکاریهای آنها، در پرتگاه آشتی طبقاتی و تسلیم طلبی کشاند. مندیلا بعد از رهایی از زندان مبارزه مسلحانه را اشتباه خوانده و آنرا نکوهش نمود و به همین سبب در سال (1992) جایزه صلح نوبل را دریافت کرد. قبل از آن دولت امریکا و متحدین آن فعالیتهای نظامی کنگره ملی افریقا را "اعمال تروریستی" و مندیلا را "تروریست" می خواندند. بعد از آن مندیلا مهمان کاخ سفید امریکا شد و مجسمه ای وی در برابر سفارت افریقای جنوبی در واشنگتن برپا شد. همچنین مندیلا نشان مهم "شایستگی" را از دولت استعمارگر بریتانیا دریافت کرد. (هم چنین ملل متحد در نوامبر سال 2009 روز 18 جولای را به افتخار نلسون مندیلا "روز بین المللی نلسون مندیلا" نام گذاری کرد که همه ساله جشن گرفته می شود). در سال (1994) بعد از انتقال حکومت به سیاه پوستان به اشتراک سفید پوستان، مندیلا منحیث اولین رئیس جمهور سیاه پوست افریقای جنوبی انتخاب شد و در سال 1999 از قدرت کناره گیری کرد. مندیلا بعد از رسیدن به قدرت اقدامی در جهت محاکمه سران رژیم آپارتاید (Apartheid) که انواع ستم و تبعیض و جنایت و بیداد گری را علیه خلق سیاه پوست افریقای جنوبی رواداشته بودند (که حتی مورد نکوهش تعداد زیادی از دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی

در جهان قرار گرفته بود)، نکرد و فقط به تشکیل " کمیسیون حقیقت یاب و آشتی " بسنده نموده و خاین ترین و جانی ترین رهبران رژیم آپارتاید با یک " معذرت خواهی " برائت حاصل کردند.

کشور آفریقای جنوبی حدود (48) میلیون نفوس دارد که (80) درصد آن سیاه پوستان، (10) درصد آن سفید پوست و بقیه را رنگین پوستان تشکیل می دهند. آفریقای جنوبی دارای معادن غنی منجمه الماس و طلا است. در سال 1652 اولین بار اروپائی ها بوسیله ای کمپنی هند شرقی هالند به آفریقای جنوبی هجوم کردند و سلطه استعماری هالند در آفریقای جنوبی به مرکزیت کیپ تاون تا سال 1795 ادامه یافت و در سال (1814) بریتانیا مستعمره هالندی " کیپ تاون " در آفریقای جنوبی را اشغال کرد. با کشف الماس در سال (1867) و کشف طلا در سال (1884) سیر مهاجرت اروپائی ها به آفریقای جنوبی افزایش یافت. سفید پوستان این کشور را بیشتر مهاجرین هالندی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی تشکیل می دهند. اقلیت هندی این کشور از بازماندگان کارگران هندی تبار هستند که در قرن نهم دوره ای استعمار انگلستان جهت کار در مزارع نیشکر به آفریقای جنوبی آورده شدند. و از سال (1910) سلطه ای مطلق سفید پوستان در آفریقای جنوبی برقرار گردید. در سال (1913) اتحادیه آفریقای جنوبی قانونی را تصویب کرد که به اساس آن حق انحصاری (87) درصد از زمینهای زراعتی به سفید پوستان و (13) درصد به سیاه پوستان واگذار شد. و در سال (1948) آپارتاید (سیاست جداسازی قومی و نژادی) ماهیت قانونی بخود گرفت که بعداً موجب تحریمهای اقتصادی بین المللی علیه حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی شد. اقلیت سفید پوست آفریقای جنوبی از بالاترین استاندارد زندگی برخوردار بودند، برابر به کشورهای غربی. و تا سال (1994) اکثریت سیاه پوستان دارای حق رأی نبوده و در همه عرصه های حیات اجتماعی مورد تبعیض شدید و انواع ظلم و ستم و اجحاف قرار می گرفتند. گرچه بعد از انتقال قدرت به اکثریت سیاه پوست آفریقای جنوبی، دولت برنامه های از قبیل خانه سازی، ساختمان مدارس و کودکستانها و اعمار جاده ها را روی دست گرفت، برای میلیونها تن آب و برق تدارک کرد و کتله های ملیونی سیاه پوستان از آموزش رایگان و مراقبتهای بهداشتی، حقوق بازنشستگی و کمکهای بلاعوض اجتماعی برخوردار شدند. ولی اکنون فساد دولتی و فساد در حزب کنگره ملی آفریقای جنوبی بشکل گسترده وجود دارد، فقر و بدبختی، تفاوت طبقاتی و نابرابری در آموزش و بخشهای بهداشتی، افزایش شدید بیکاری، بیرحمی و شکنجه های وحشیانه همه روزه توسط پولیس، بی قانونی و سلب آزادیهای سیاسی در آفریقای جنوبی بیداد می کند. اعتراضات و تظاهرات توده های خلق توسط نیروهای امنیتی دولت به شدت سرکوب می شود، و کشتار و وحشیانه ای سی و دوتن از معدنچیهای آفریقای جنوبی در ماه آگست سال (2012) یکی از این موارد است. حدود پنجاه درصد از فقرا سیاه پوست آفریقای جنوبی تنها صاحب هفت و هشت دهم درصد از کل درآمد کشور هستند؛ هشتاد و سه درصد از سفید پوستان در صدر بیست درصد از صاحبان درآمد در سال (2008) بوده اند. در حالیکه تنها یازده درصد از جمعیت سیاه پوست در آن رده بندی (درآمدی) قرار داشتند.

بعد از اعلام مرگ ماندیلا تقریباً اکثریت سردمداران جهان سرمایه داری و امپریالیستی به سوگ نشستند و در بسیاری از این کشورها بیرقها بحالت نیمه افراشته درآمدند. روز دهم دسمبر مراسم یاد بود نلسون مندیلا رهبران بیش از (60) کشور جهان و رؤسای ده ها نهاد بین المللی شرکت کردند. هریک از سران

دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی به توصیف از مندیلا پرداخته و درباره ای شخصیت و افکار و راه و رسم " مبارزه ای" وی مدیحه سرایی کردند: مندیلا را " یک مصلح جهان و نماینده وجدان جهان"، " شخصیت بزرگ و نماد آزادی برای جهان"، " الگوی برای بشریت و پیش آهنگ صلح"، " قهرمان مبارزه با تبعیض نژادی" خواندند. و " روحیه مداراگرایی و آشتی جوئی طبقاتی" مندیلا بلا استثنا مورد ستایش همه ستمگران و استثمارگران جهان قرار گرفت:

بنیامین نتانیاهو صدراعظم رژیم صهیونیستی و استعمارگر اسرائیل چنین گفت: " مندیلا جنگجوی آزادی خواه بود که خشونت را نفی می کرد"; حامد کرزی مزدور این نوکر حقیر استعمار و امپریالیسم در وصف مندیلا چنین گفت: " مندیلا رهبر عادل جهان بود و در مقابل استعمار و آپارتاید و برای برابری و عدالت و حقوق برابر انسانها مبارزه کرده و الهام بخش مردم جهان بود"; صدراعظم انگلستان در مرگ مندیلا گفت: " بارقه ای از نور از جهان رخت بر بست و چراغی درخشان که از تابیدن باز ایستاد"; الیزابت دوم ملکه انگلستان گفت: " میراث برجای مانده ای مندیلا صلحی است که امروزه در افریقای جنوبی مشاهده می کنیم." بلی! مندیلا با این " صلح خواهی" خدمت بزرگی در فرونشاندن خشم توده های خلق افریقای جنوبی که حدود دوقرن در زیر چکمه های استعمارگران اروپائی ستم و عذاب کشیده اند و همچنین حفظ سرمایه ها و منافع امپریالیستهای اروپائی در افریقای جنوبی و کلاً در قاره افریقا خاصاً امپریالیستهای انگلیس و هالند انجام داد. در حالیکه " صلح خواهی" مندیلا ماهیتاً همان " صلح خواهی" امپریالیستها و مرتجعین است و با صلح خواهی توده های خلق از ریشه در تضاد قرار دارد. کلینتون مندیلا را " قهرمان حیثیت انسانی و آزادی، قهرمان صلح و آشتی جوئی" خواند؛ سرمنشی ملل متحد " مبارزه اخلاقی مندیلا را علیه آپارتاید ستود"; بارک اوباما گفت: " من از سی سال قبل راه مندیلا را تعقیب کرده و به اینجا رسیده ام" و صدراعظم هند مندیلا را " گاندی واقعی خواند". البته مشترکاتی بین مندیلا و گاندی وجود دارد: هر دو در حساس ترین شرایط تاریخ مبارزات خلقهای کشورهای شان ( هند و افریقای جنوبی) علیه استعمارگران انگلیسی که انواع تبعیض (خاصاً تبعیض نژادی) ستم و استثمار و جنایت را بر خلقهای هند و افریقای جنوبی اعمال می کردند، مبارزه توده های خلق را از مسیر اصلی آن منحرف کردند؛ هر دو با استفاده از موقعیت اجتماعی و " کریزمای" شخصی شان توده های خلق به پا خاسته در هر دو کشور را اغوا کرده و بر آتش خشم توده های خلق به رمق رسیده آب پاشیده و آنها را از اعمال قهر انقلابی علیه قهرضدانقلابی، مبارزه مسلحانه در جهت طرد سلطه استعمار و سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و سلطه امپریالیسم باز داشته اند. هم گاندی و هم مندیلا مالکیت خصوصی را تقدیس کرده و در راه حفظ منافع امپریالیسم و طبقات سرمایه دار و ملاک افریقای جنوبی و هند خدمت کردند؛ هر دو در گمراهی اذهان توده های خلق هند و افریقای جنوبی و توده های خلق جهان کار کرده و توده های خلق را به ترک مبارزه قهرآمیز علیه سلطه سرمایه و امپریالیسم و طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور ترغیب کرده اند؛ از اینرو امپریالیستها و مرتجعین جهان با تبلیغات گمراه کننده از این دو تن " شخصیتهای جهانی" ساخته و درباره ای " افکار" و " راه" آنها تبلیغات گسترده انجام داده و می دهند. در حالیکه دو کتورین گاندی و مندیلا بیش از همه به توده های خلق هند و افریقای جنوبی صدمه وارد کرده است.

بعد از جنگ جهانی اول موج آزادی خواهی خاصاً در کشورهای تحت سلطه استعماربراه افتاد و خلقهای در بند کشور هند مبارزات آزادی خواهانه شان را بر ضد استعمارگران انگلیسی شدت بخشیدند. این مبارزه در سال 1919 هر چه بیشتر اوج گرفت و توده های خلق بطور گسترده ضرباتی را بر ارتش و مامورین استعمارگران انگلیس وارد کردند. لیکن رهبران "کنگره ملی هند" تحت رهبری مهاتما گاندی با طرح شعار "مقاومت منفی" توده های خلق هند را به شیوه های "عدم همکاری با استعمارگران" و "مبارزه عدم خشونت" ویا "مبارزه مسالمت آمیز" با دشمن مسلح نیرومند غدار و وحشی تشویق کرده و بر آتش خشم توده های خلق بپا خاسته هند آب می انداختند. در دهم اپریل 1919 قوای استعمارگران انگلیس در ایالت پنجاب خلق هند را با قساوت تمام کشتار نمود؛ ستم و استبداد و شکنجه و عذاب دایمی استعمارگران انگلیسی علیه خلقهای ستم دیده و در بند هند محدود مرزی نداشت و قتل عام تاریخ 12 اپریل همان سال در شهر امریتسر یکی دیگر از صدها و هزاران مورد قتل عام و جنایت استعمارگران انگلیس است. در حالیکه در آن وقت خلقهای هند در حالت انفجار بودند و انگلیسها در روی لبه ای آتش فشان شعله های خشم و شورش خلق هند قرار داشتند؛ امارهبران "کنگره ملی" منجمله گاندی توده های خلق را به برده باری و تحمل فراخوانده و بر آتش خشم آنها آب می پاشیدند. و استعمارگران انگلیس برای خاموش کردن توده های خلق به کشتار و ترور و سبوعیت ادامه می دادند. گاندی با این دلیل پوچ که "اسلحه در دست توده های خلق نیست، دشمن نیرومند است و مردم غیر مسلح نمی توانند شورش کنند"، توده های خلق هند را از دشمن می ترساند که این خود ماهیت ارتجاعی و بی ایمانی خود آنها را نیز عیان می ساخت. گاندی و دیگر رهبران "کنگره ملی" در برابر دشمنان خلق هند ممانعت می کردند و از تکامل مبارزه قهرآمیز توده های خلق هند علیه استعمارگران و طرد حاکمیت طبقات ارتجاعی خود فروخته بوسیله ای توده های خلق هراس داشتند. گاندی شعار مبارزه "عدم خشونت" را یکنوع "شورش مسالمت آمیز و تمدن آمیزترین نوع جنگ" می نامید. در حالیکه دشمن "تمدن" غدار و وحشی اعتراضات مسالمت آمیز توده های مردم را با نوک برچه و مرمیهای آتشین پاسخ می داد. با اشاره به موارد معدودی از وحشت و بربریت و ستم و استثمار و مظالم طولانی مدت (حدود یک و نیم قرن) استعمارگران انگلیسی و فئودالان و کمپرادورهای هندی (که منافع آنها با منافع استعمار و امپریالیسم انگلیس گره خورده بود) علیه توده های خلق هند که تحت سلطه استعمار و طبقات ارتجاعی شدیداً رنج و ستم می کشیدند؛ گاندی با سازشکاری و زیرنام "مبارزه عدم خشونت"، "نافرمانی مدنی" موانع عمده را در راه پیشرفت و تکامل مبارزات آزادیبخش خلق هند برای استقلال و آزادی واقعی و حاکمیت ملی و دموکراسی و رفاه اجتماعی بوجود آورده و باین صورت از منافع استعمارگران انگلیسی و طبقات فئودال و کمپرادور هند دفاع می کرد.

همه سران دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی و دیگر گروه ها و افراد همسخن آنها در جهان بر این میراث مندیلا تاکید می کنند: "فراموش کنید و ببخشید": مندیلا برای توده های خلق افریقای جنوبی و قاره افریقا و خلقهای تحت ستم و استثمار سراسر جهان می گوید که: همه درد و رنج و عذاب و شکنجه و مظالم و ستم و بیدادگری و استثمار و جنایات و اجحاف و تجاوز استعمارگران و امپریالیستها و دولتهای ارتجاعی را فراموش کنید و دشمنان طبقاتی و ملی خود را ببخشید؛ باین عبارت که در برابر ستم و استثمار و جنایت و مظالم دشمنان برده بارباشید و هیچ گاهی به "خشونت" یعنی مبارزه قهرآمیز، مبارزه مسلحانه متوسل

نشده و خواستهای خود را در برابر طبقات ستمگر و استثمارگر به شیوه های "متمدنانه" مطرح کنید. هم چنین مندیلا می گوید: "خشونت دشمن را با خشونت پاسخ ندهید": باین عبارت که در برابر همه شکنجه و سرکوب و زندان و کشتار و وحشت و بربریت و تجاوزات دشمنان طبقاتی و ملی سکوت اختیار کرده و برده و اربرده باری پیشه کنید. مندیلا باین ایده و تفکر و نظر "از عیسی هم عیسی تر" و از "گاندی هم گاندی تر" بود. همین ماهیت ایده و تفکر مندیلا که در برابر دشمنان طبقاتی و ملی و خلقهای کشور آفریقای جنوبی بر مبنای آن عمل می کرد، او را در نزد دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی و دیگر مرتجعین خادم استعمار و امپریالیسم به شخصیت محبوب مبدل کرده است. و از خلقهای جهان می خواهند که در مبارزات حق طلبانه ای شان علیه ستم و بی عدالتی و جنایت و خیانت طبقات ارتجاعی حاکم و امپریالیستهای جنایتکار، مندیلا و گاندی را الگو قرار دهید؛ در آن صورت "دشمنان تان به دوستان تان مبدل می شود" و چنین "مرگ با عزتی" داشته و مورد ستایش و تکریم قرار می گیرید. دوازده سال است که در افغانستان قماشهای مختلف از مزدوران و جیره خواران قلم بدست استعمار و امپریالیسم و "کمیسون حقوق بشر" دولت مزدور مرکزی با پیروی از "ایده ها و افکار" و "راه" نلسون مندیلا به تبلیغات خاینانه مشغول بوده و از توده های خلق ستمدیده و زجر کشیده ای کشور می خواهند که در پی انتقام خون فرزندان تان نباشید و تمام جنایتکاران و آدم کشان خلقی پرچمی، ملیشه ای، جهادی، طالبی و دولت مزدور مرکزی و حامیان امپریالیست آنها را "مندیلا وار" ببخشید و همه ستم و مظالم و جنایات و تجاوزاتی که طی سه و نیم دهه بر شما روا داشته اند، فراموش کنید!

ملاحظه می شود که افرادی از قماش مندیلا و گاندی برای طبقات ارتجاعی و قدرتهای استعماری و امپریالیستی جهان "موهبتی" کم نظیر بوده و هستند. این قماش افراد با جاذبه های شخصیتی که در مواردی در رأس مبارزات توده های خلق (که برای نجات از سلطه و ستم و استثمار طبقات ارتجاعی و قدرتهای امپریالیستی می رزمند) قرار گرفته و مبارزه طبقاتی و ملی آنها را زیر نام "مبارزه مسالمت آمیز"، "مبارزه مدنی"، و "عدم توسل به خشونت"، از مسیر اصلی آن منحرف کرده و در پرتگاه آشتی طبقاتی و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی قرار می دهند. این خواست همه طبقات ارتجاعی حاکم در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و قدرتهای امپریالیستی جهان است تا توده های خلق را از دست زدن به مبارزه قهرآمیز، مبارزه مسلحانه در جهت سرنگونی سلطه و حاکمیت آنها منصرف سازند. شواهد تاریخی موجود اند همینکه عناصری مانند مندیلا مبارزه آزادی خواهانه توده های خلق را از مسیر انکشاف و ترقی آن در جهت سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و قطع سلطه امپریالیسم منحرف ساخته و در منجلا ب تسلیم طلبی طبقاتی و ملی قرار داده اند؛ ماشین تبلیغات امپریالیستها بکار می افتد و جهت گمراه کردن توده های خلق؛ انحراف فکری و سیاسی و چرخش به عقب این عناصر را مورد تحسین و ستایش قرار داده و با تبلیغات دروغین از آنها "فرشته های نجات" تمثیل می کنند که می توانند از طریق "صلح آمیز" و "آشتی طبقاتی" گویا خواستهای سیاسی طبقاتی توده های خلق را تحقق بخشند. و تبلیغات رسانه های امپریالیستی و ارتجاعی درباره ای مندیلا طی بیش از سه دهه اخیر نمونه ای از این شیادی ها و ترفندهای امپریالیستی درباره ای چنین عناصری است. همه شاهدانند که مندیلا روی تمام درد ورنج و ستم و استثمار و تبعیض ای که خلقهای آفریقای جنوبی طی حدود دو قرن از جانب

استعمارگران اروپائی (خاصتاً در چهاردهه اخیر آن) کشیده بودند، پا گذاشته و با ترفند های که "فراموش کنید و ببخشید" و "خسونت دشمن را با خسونت پاسخ ندهید" با دشمنان خونخوار خلقهای افریقای جنوبی به سازش و معامله رسید.

توده های خلق جهان باید هوشیار باشند که خطر قرار گرفتن عناصری از قماش گاندی و نلسون مندیلا در رأس مبارزات طبقاتی و ملی آنها کمتر از خطر قماشهای مختلف رویونیستها و اپورتونیستها نیست. اگر گاندی و مندیلا با شیوه های به ظاهر "انسانی" و "اخلاقی" حاصل مبارزات خلقهای هند و افریقای جنوبی و همه قربانیهای آنها را بپای طبقات حاکم ارتجاعی و استعمار و امپریالیسم ریختند؛ اما انواع رویونیستها و اپورتونیستها با استعمال کلمات و جملات به ظاهر "انقلابی" و وعده ای "نظام دموکراتیک" و "سوسیالیسم" و آزادی و رفاه اجتماعی توده های خلق را اغوا کرده و مبارزات طبقاتی و ملی آنها را در جهت رسیدن به اهداف خاینانه و پلید خود و بداران امپریالیست شان به شکست کشانده اند.

15 نومبر 2013

( پولاد )